

## میرزا مهدی خان ممتحن الدوله و مدرسه علوم سیاسی

دکتر محمد کلهر<sup>۱</sup>، حمیدرضا شاه‌آبادی<sup>\*</sup>

### چکیده

مدرسه علوم سیاسی که نخستین بار در سال ۱۳۱۷ ق تاسیس شد از جهات مختلفی در بررسی تاریخ دوران مشروطیت شایسته توجه است. نخست آن که مدرسه علوم سیاسی از اولین مدارسی است که سطح آموزش عالی داشتند؛ و دیگر آن که برای اولین بار در این مدرسه به تربیت کادر متخصص برای فعالیت در دستگاه دیپلوماسی ایران همت گمارده شد. علاوه بر آن مباحثی چون حقوق اساسی، حقوق بین الملل، و علم ثروت (اقتصاد) در این مدرسه تدریس شده و برای آنها منابعی تدوین شد. این معارف جدید از طریق مدرسه علوم سیاسی به درون جامعه ایرانی راه یافته و جریان نوگرایی مشروطیت را عمیق تر کرد. تأسیس مدرسه علوم سیاسی به دست میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صورت گرفته و ایده آن را به فرزند او میرزا حسن خان مشیرالملک (مشیرالدوله بعدی) نسبت داده‌اند. این در حالی است که میرزا مهدی خان ممتحن الدوله در لابه لای آثار خود ایده مدرسه علوم سیاسی را متعلق به خویش دانسته است. بر مبنای سخنان او باید پذیرفت که ایده مدرسه علوم سیاسی نه در دوران وزارت میرزا نصرالله خان مشیرالدوله، که در دومین دوره وزارت میرزا سعیدخان مؤتمن الملک انصاری شکل گرفته است.

**واژگان کلیدی:** مدرسه علوم سیاسی، وزارت امور خارجه، آموزش و پرورش

جدید، نهضت مشروطیت

۱. گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر ری، ایران.

\*hrshahabadi@yahoo. Com

مسئول مکاتبه:

## مقدمه

تأسیس مدارس جدید از آرمانهای نوگرایان ایرانی در دوران منتهی به نهضت مشروطیت ایران بوده است. تجددطلبان همواره از ترویج علوم جدید و تأسیس مدارس نوین حمایت کرده و آن را ابزاری برای دستیابی به پیشرفت و ترقی و رفع مشکلات جامعه می دانستند. (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۵۷۶) تحقق این آرمان بزرگ چندان راحت نبود. ناصرالدین شاه که پنجاه سال از عمر سلطنت قاجار را به خود اختصاص داده است، با تأسیس مدارس جدید مخالفت می کرد و کوشندگان ترویج علوم نو را شایسته سرزنش می دانست. (احتشام السلطنه، ۱۳۶۹: ۳۱۶) در واقع شاه قاجار ترویج آگاهی و بسط معارف جدید را خطری برای حکومت خود به حساب می آورد، و در یک کلام او را به «مردم بی علم و سواد، اعتماد و اعتقاد بیشتر بود تا به کسانی که نوشتن و خواندن می دانستند» (امین الدوله، ۱۳۷۰: ۲۶) از این رو شکل گیری مدارس جدید در دوره ناصرالدین شاه جریانی بسیار کند داشت. اما پس از قتل او به دست مردی ستم دیده، فرزندش مظفرالدین شاه - شاید از ترس گرفتار شدن به عاقبت پدرش - با نوآوریهای اجتماعی و شکل گیری نهادهای جدید مخالفت نمی کرد. (ناطق، ۱۳۸۰: ۵۳) در این موضع او بی شک حضور میرزا علی خان امین الدوله در جایگاه صدر اعظم نیز مؤثر بوده است. (رشدیه، ۱۳۶۲: ۳۵) در همین دوران بود که میرزا حسن خان رشدیه بعد از چند تلاش نافرجام بالاخره توانست اولین مدرسه خود را در تهران تأسیس کند. (همان جا) همچنین با تشکیل «انجمن تأسیس مکاتب ملیه ایران» که بعد ها به اختصار «انجمن معارف» نامیده شد، جریانی متشکل و هدفمند برای تأسیس مدارس جدید آغاز شد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰: ۱/۳۷۰) مدارس ابتدایی جدید یکی بعد از دیگری در تهران و شهرستانها شکل گرفتند و دانش آموزان زیادی در آنها مشغول تحصیل شدند. ناظم الاسلام کرمانی در کتاب *تاریخ بیداری ایرانیان* در شرح اقدامات دوران مظفرالدین شاه، چهل و نه مدرسه را در فهرست «مدارس جدید تهران و آن چه را که بنده نگارنده دیده و در آن وارد

شده» ذکر کرده است (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۷: ۵۶۲) و البته اضافه می کند «بعضی مدارس دیگر افتتاح شد که اسامی آنها در نظر نیست.» (همان جا)

اما مدارس ابتدایی تنها سطح مقدماتی علوم را آموزش می دادند؛ و این برای رفع نیاز کشوری که امید به پیشرفت داشت کافی نبود. تنها مدرسه عالی ایران تا آن زمان دارالفنون بود (افشار، ۱۳۳۰: ۳۶) که در سال ۱۲۶۸ ق افتتاح شده بود (آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۵۳) و چند سال پس از تأسیس از افت کیفی شدیدی رنج می برد. (احتشام السلطنه، ۱۳۶۹: ۳۱۶-۳۱۵) غیر از آن می توان از مدرسه اتماماژوری یاد کرد که توسط میرزا حسین خان سپسالار و با هدف ارائه آموزشهای نظامی تشکیل شده (آدمیت، ۱۳۸۵: ۳۵۳) و پس از چندی از رونق افتاده بود.

برای رفع خلاء مدارس عالی، انجمن معارف نخستین بار در سال ۱۳۱۵ ق دست به تأسیس مدرسه علمیه زد. (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۱/۱۹۶) این مدرسه از دو بخش ابتدایی و علمی تشکیل شده بود و دانش آموزان آن پس از طی کردن دوره ابتدایی وارد دوره علمی می شدند که سطح بالاتری داشت و اطلاعات بیشتری در آن ارائه می شد. (همان: ۱/۱۹۴) اما جای مدارس تخصصی با سطح علمی بالا همچنان خالی بود. تا آن که در سال ۱۳۱۷ ق مدرسه علوم سیاسی تأسیس شد. ویژگیهای این مدرسه وصاحبان ایده تأسیس آن موضوع بحث این مقاله است.

### مدرسه علوم سیاسی

مدرسه علوم سیاسی در دومین گام نوگرایان ایرانی برای ایجاد نظام نوین آموزش و پرورش، شکل گرفت. در گام اول ایشان به دنبال تأسیس مدارس جدید بودند که خارج از چارچوب سنتی گذشته، علوم جدید را با شیوه‌هایی نو آموزش دهند. و در گام دوم در پی تأسیس مدارس عالی و تخصصی بر آمدند.

مدرسه علوم سیاسی با هدف تربیت نیروی متخصص در حوزه حقوق و روابط بین الملل، آن چنان که بتواند دستگاه دیپلماسی ایران را تقویت و راهبری کند، در پانزدهم شعبان ۱۳۱۷ ق افتتاح شد. واقعیت آن است که اگرچه تاریخچه تأسیس وزارت خارجه ایران به دوران فتحعلی شاه و سال ۱۲۳۹ ق باز می‌گردد (شمیم، ۱۳۷۰: ۳۴۲) دستگاه دیپلماسی ایران در آغاز حکومت مظفرالدین شاه بسیار بی تجربه و کم توان بود. « در حوادثی چون واقعه هرات و مناقشه با انگلستان و حوادث ناشی از قراردادهای رژی و رویتر کادرهای سیاسی وزارت امور خارجه ایران نشان دادند که از قابلیت چندانی برخوردار نیستند» (تفرشی، ۱۳۷۰: ۵۳) به همین دلیل « نیاز به تربیت جوانان مستعد در رشته‌های سیاسی به چشم می‌خورد» (همان جا) در چنین شرایطی مدرسه علوم سیاسی تأسیس شد تا « وزارت خارجه بتواند مامورینی تربیت کند که به اندازه لزوم از قوانین اطلاع داشته باشند تا بهتر بتوانند در مقابل خارجیان حقوق کشور خود را حفظ کنند.» (فروغی، ۱۳۵۳: ۳۳۱) این مدرسه در طول ۲۸ سال فعالیت خود ۲۱۰ دانشجوی تربیت کرد که بسیاری از ایشان در زمره بازیگران مهم عرصه سیاسی ایران معاصر در آمدند. (عاقلی، ۱۳۷۷: ۳۵۲) با این وصف مدرسه علوم سیاسی از دو جهت حائز اهمیت است. نخست آن که این مدرسه نخستین آموزشکده عالی و تخصصی در تاریخ آموزش و پرورش نوین ایران است. و دوم آن که به دلیل تربیت نیروی انسانی متخصص برای وزارت خارجه و دستگاه سیاست بین الملل ایران - که آن هم برای اولین بار صورت می‌گرفت - بیان گر آغاز دوره ای جدید در تاریخ وزارت خارجه ایران است. در واقع با تأسیس مدرسه علوم سیاسی یک نهاد آموزشی جدید در خدمت بهبود سیاست بین الملل ایران قرار گرفت. علاوه بر آن چه که گفته شد مدرسه علوم سیاسی به عنوان یک مدرسه تخصصی ویژگیهای دیگری نیز داشته است. از جمله این ویژگی ها آن است که در آن برخی دروس تدریس شد که تا آن زمان در ایران به هیچ وجه تدریس نشده بود. محمدعلی فروغی در باره این ویژگی مدرسه گفته است:

«اول دفعه‌ای که در این کشور علم حقوق بین الملل تدریس شد توسط مرحوم مشیرالدوله اخیر [پیرنیا] بود. اول دفعه‌ای که علم ثروت [اقتصاد] به توسط یک معلم ایرانی تدریس شد آقای مؤتمن الملک [حسین پیرنیا] بودند. و اول کتابی که در علم ثروت به زبان فارسی نوشته شد آن است که من برای دانش آموزان همین آموزشگاه از فرانسه ترجمه کردم» (فروغی، ۱۳۵۳: ۳۴۱)

تدریس علوم سیاسی در یک مدرسه عالی دولتی اتفاقی مهم بود. چرا که اصولاً حکومت قاجار به تدریس علم حقوق و امور سیاسی روی خوش نشان نمی داد. و گفته اند که ناصرالدین شاه «از گشودن رشته امور سیاسی و حقوق به شدت جلوگیری می کرد و اگر کسی از این مطالب سخن به میان می آورد به شدت سیاست می شد.» (یغمایی، ۱۳۴۹: ۳۶۳) برای تدریس علوم جدید منابع درسی تالیف کردند. بسیاری از دروس و مباحث مطروحه در این مدرسه به درون جامعه راه می یافت (مجد، ۱۳۵۷: ۸) و به جریان نوگرایی عمق و گسترش می بخشید. بنابراین می توان گفت که مدرسه علوم سیاسی در عین این که زاینده جریان نوگرایی دوران مشروطه است این جریان را عمق نیز بخشیده است.

به اعتقاد برخی از فارغ التحصیلان مدرسه علوم سیاسی، این مدرسه در دوره‌هایی محل بحث و فعالیت سیاسی پرشور معلمان و دانشجویان آن بوده است. (اسکندری، ۱۳۷۲: ۵۰۵) و این خود نشان از تاثیرگذاری مدرسه بر جریانات سیاسی دوران مشروطه و پس از آن دارد. ورود فارغ التحصیلان مدرسه علوم سیاسی به دستگاه اداری وزارت خارجه فضایی متفاوت از وزارتخانه های دیگر در آن ایجاد کرد. فضایی منظم و متکی بر قواعد و اصول. در این وزارت خانه «به سلسله مراتب و رعایت سوابق و ارشدیت توجه خاص می شد. از دخالت ها و اعمال نفوذ خارج از وزارت خانه بیزاری احساس می گردید» (آدمیت. تهمورس، ۱۳۶۸: ۳۷-۳۶) عامل اصلی ترویج این فضا و «کانون رعایت سنن و اصول، شاگردان مدرسه علوم سیاسی بودند.» (همان: ۳۸-۳۷)

از سوی دیگر موفقیت در عملکرد این مدرسه موجب رواج مدارس تخصصی جدید از جمله مدرسه حقوق، مدرسه فلاح مظفری، مدرسه صنایع مستظرفه، مدرسه تجارت، و... شد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰: ۴۰۶-۴۰۴/۱)

### مؤسس مدرسه علوم سیاسی

مدرسه علوم سیاسی در دوران وزارت خارجه میرزا نصر الله خان مشیرالدوله (ن.ک. معیرالممالک، ۱۳۹۰: ۹۶-۹۵) تأسیس شد و در قالب یکی از ادارات وزارت خارجه در آمد. از این رو او را بنیان گزار مدرسه دانسته، و این کار را در زمره اقدامات او در دوره وزارتش بر شمرده اند. (تکمیل همایون، ۱۳۸۳: ۴۲) در عین حال گفته اند که ایده تأسیس مدرسه متعلق به پسر او میرزا حسن خان مشیرالملک (مشیرالدوله بعدی) بوده است. میرزا نصرالله خان سه پسر به نامهای حسن، حسین، و علی داشت. بنا به گفته عبدالله مستوفی او هنگامی که در وزارت خارجه رئیس اداره روس بود سه پسرش را برای تحصیل به اروپا فرستاد «علی پسر زیبا و برازنده او در اروپا مسلول [شد] و بدرود زندگی گفت. ولی حسن و حسین اولی قسمت حقوق دارالفنون مسکو را تمام کرد و دومی در مدرسه پلی تکنیک فرانسه مشغول تحصیل شد. وزارت خارجه مشیرالدوله مصادف با وقتی بود که میرزا حسن خان پسر ارشدش مدرسه حقوق را تمام کرده و به سمت وابسته وارد سفارت ایران در پترزبورغ شده بود. چون وجود میرزا حسن خان در تهران و کمک به پدر بیشتر از اقامت در پترزبورغ نافع بود او را به تهران خواست و لقب سابق خودش یعنی مشیرالملک لقب او گشت.» (مستوفی، ۱۳۸۶: ۱/۸۷۳) مدتی بعد مشیرالملک به سمت ریاست کابینه رسید و منشی مخصوص صدراعظم نیز شد. در چنین شرایطی با اوضاع وزارت خارجه آشنا شد و دریافت «که کار از ریشه خراب است و تا مبنای علمی برای اعضای وزارت خارجه دست و پا نشود هر چه بکند نقش بر آب خواهد بود.» (همان) همراهی مظفرالدین شاه با تأسیس مدارس جدید هم مشوق او

شد. بنابر این فکر تأسیس مدرسه علوم سیاسی را با پدرش در میان گذاشت. و سپس « پدر و پسر در نزد صدراعظم و شاه محسنات این اقدام را جلوه گر ساخته » و مقدمات تأسیس مدرسه را فراهم کردند. (همان)

به همین دلیل عبدالله مستوفی اعتقاد دارد که « تأسیس این مدرسه اثر فکر میرزا حسن خان مشیرالملک پسر میرزا حسن خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه است » (همان : ۱/۸۷۲) اما محمدعلی فروغی با توجه به این که تأسیس مدرسه به دست میرزا نصر الله خان مشیرالدوله صورت گرفته، در بیان خود پدر و پسر را مشترکاً بانی مدرسه می داند و می گوید : « مؤسس آن [ مدرسه ] مرحوم مشیرالدوله اخیر بود که آن وقت مشیرالملک لقب داشت و پدرش مرحوم مشیرالدوله اسبق که وزیر امور خارجه بود و صدراعظم شد » (فروغی، ۱۳۵۳ : ۳۲۷)

میرزا حسن خان که بعد ها با نام فامیل پیرنیا شناخته شد، به ترتیب القاب مؤتمن الملک، مشیرالملک، و مشیرالدوله داشت. این لقب آخر علاوه بر پدرش به افراد دیگری نیز داده شده و او ششمین کسی است که لقب مشیرالدوله گرفته است. (سلیمانی، ۱۳۷۸ : ۱۴۹-۱۵۲) میرزا حسن خان مشیرالدوله اولین مدیر مدرسه علوم سیاسی نیز هست. (مستوفی، ۱۳۸۶ : ۱/۸۸۲) اما در مقابل نظر همه کسانی که میرزا نصرالله خان مشیرالدوله و فرزندش را صاحب ایده تأسیس مدرسه علوم سیاسی می دانند، کس دیگری نیز هست که ایده تأسیس مدرسه را متعلق به خود می داند؛ و او کسی نیست جز میرزا مهدی خان ممتحن الدوله شقاقی.

### آشنایی با میرزا مهدی خان ممتحن الدوله

میرزا مهدی خان ممتحن الدوله شقاقی فرزند میرزا رضا قلی خان شقاقی سرابی گرمودی در سال ۱۲۶۳ ق در تهران به دنیا آمده است (ممتحن الدوله، ۱۳۶۵ : ۶) پدرش مورخ بوده و مؤلف کتابی است به نام « لجه الالم فی حجه الامم ». رضا قلی خان از

دوران کودکی با میرزا سعید خان مؤتمن الملک انصاری دوستی داشت. گفته اند که آن دو با هم در یک مکتب خانه درس می خواندند. نتیجه این دوستی آن شد که وقتی میرزا سعید خان به وزارت خارجه رسید، میرزا رضا خان هم به او پیوست و سالها در آن وزارتخانه همراه او بود. فرزندش میرزا مهدی خان هم تحصیلات ابتدایی خود را در مکتب خانه خصوصی میرزا سعید خان گذراند. (همان جا)

میرزا مهدی خان دوازده ساله بود که وارد دارالفنون شد و مقدمات طب را در آنجا خواند. دو سال بعد یعنی در سال ۱۲۷۷ ق به واسطه ارتباطات پدرش عازم فرانسه شد تا در آنجا شیشه سازی و بلور سازی بخواند؛ اما این رشته را دوست نداشت. پس تغییر مسیر داد و به آموختن معماری پرداخت و در سال ۱۲۸۶ ق به ایران بازگشت. (سرمد، ۱۳۷۲: ۴۴۶) پس از بازگشت بر حسب دستور وزیر دول خارجه یعنی میرزا سعید خان مؤتمن الملک انصاری به سمت منشی مخصوص و مترجم رسمی زبان فرانسه، در وزارت خارجه استخدام شد. (ممتحن الدوله، ۱۳۶۵: ۶) مدتی بعد به دنبال یک دسیسه خانوادگی شغلهش را از دست داد. و از آنجا که نمی خواست از دیگران درخواست کمک کند، به عملگی و کارگری ساختمان مشغول شد. از همین راه بود که به کار ساختمان سازی که تخصص اصلی اش بود وارد شد. راه پیدا کرد. اگرچه مدتی بعد مجدداً با حمایت میرزا سعید خان به شغل خود در وزارت خارجه بازگشت. (همان: ۷)

از جمله دیگر مشاغل و مسولیت‌های او می توان به مأمور خرید تخم کرم ابریشم از ایتالیا، مأمور خرید اسلحه از بلژیک، مأمور عقد قرارداد خط آهن تهران قم در لندن، مأمور وزارت خارجه در گیلان، اشاره کرد (سرمد، ۱۳۷۲: ۴۴۶) در سال ۱۲۹۳ ق به امر میرزا حسین خان سپسالار ساختمان مسجد سپهسالار و ساختمانهای اندرونی و بیرونی در قسمت شمالی مسجد را که بعدها در زمان مشروطیت تبدیل به محل مجلس شورای ملی شد، طرح ریزی کرد و ظرف هشت سال به انجام رساند. (ممتحن الدوله، ۱۳۶۵: ۴-۵)



در سال ۱۲۹۷ ق مقام نیابت دوم وزارت خارجه را پیدا کرد و در زمان وزارت خارجه ناصر الملک به مقام نیابت اول رسید و مشاور او بود. (ممتحن الدوله، ۱۳۵۳: ۷۲) در سال ۱۳۱۵ که انجمن معارف تشکیل شد، میرزا مهدی خان نیز عضو انجمن بود (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۱/۱۸۹) و مدتی بعد «به ناظمی انجمن مفتخر شد» (سپهر، ۱۳۶۸: ۳۲۸) در زمان صدارت امین السلطان که انجمن معارف با نام «شورای عالی معارف» به کار خود ادامه داد نیز ممتحن الدوله همچنان در این شورا حضور داشت؛ و البته جزو عوامل امین السلطان در شوراه حساب می آمد. (رشدیه، همان: ۴۵)

میرزا مهدی خان ظاهراً در طول حیات خود سلوک و اخلاق شایسته‌ای از خود به نمایش نگذاشته و نمونه‌ای از فرنگ رفتگان فاسد الاخلاق به شمار می آمده است. میرزا محمود خان احتشام السلطنه در باره او نوشته است:

«بعضی دیگر هم بودند که بدبختانه فرنگ رفته و تحصیل کرده بودند. اما غیر از مفساد اخلاق از فرنگ چیزی سوغات نیاورده بودند. سر سلسله آنها میرزا مهدی خان شقاقی ممتحن الدوله [... بود] گمان می کنم از فساد اخلاق و سوء رفتار او بهتر است چیزی نگویم. زیرا که او معروف تر از آن است که احتیاج به تعریف و معرفی من داشته باشد. با این که مکرر مورد تحقیر و بد زبانی وزرا قرار گرفته و فحش ها شنیده و حتی چند بار چوب خورده و در حضور عامه به بدترین وجهی تأدیب و مجازات شده بود، کمترین تغییری در رفتار حاصل نشده، واز آن همه بی آبرویی که بر سر او آورده اند کوچکترین عبرت و دریغی در در وجودش پدیدار نگردیده بود» (احتشام السلطنه؛ ۱۳۶۹: ۳۹۴)

با این همه خود در خاطراتش اشاره می کند که در دوران اقامتش در اروپا نماز و روزه اش ترک نمی شده؛ و حتی وقتی که به فرانسه می رود و آنجا مسجدی پیدا نمی کند به رسم کاتولیک ها هر یکشنبه به کلیسا می رود تا با خدای خود راز و نیاز کند.

(ممتحن الدوله، ۱۳۵۳ : ۷۲) همچنین گفته اند که از فقرا دستگیری می کرده و بارها برای رفع مشکل نیازمندان به مقامات دولتی رو زده است (احتشام السلطنه، ۱۳۶۹ : ۳۹۵ - ۳۹۴)

در باب اعتقادات سیاسی او نیز می توان گفت که با شکل سیاسی مشروطیت سازگاری نداشته و آن را بیهوده می دانسته است. در خاطراتش آنجا که به اعمال مشروطه خواهان گیلان می پردازد به جمله ای از ولتر اشاره می کند که گفته است « حکومت مشروطه برای یک ملت نادان بی سواد باعث پیدایش دیکتاتوری های ظالم و اجتماع فاسد می شود » و بر همین مبنا « انقلاب در میان قوم نادان و بی علم » را بیهوده می داند (ممتحن الدوله، ۱۳۵۳ : ۲۱۰) ظاهراً میرزا مهدی خان در این موضوع با میرزا جواد خان سعدالدوله همراهی و هم نظری داشته است. در جریان درگیری محمد علی شاه و مشروطه خواهان، تا پیش از به توپ بستن مجلس، میرزا مهدی خان به نمایندگی از سعد الدوله تلاش می کرد که در مذاکره با رهبران مشروطه رابطه ایشان و محمد علی شاه را اصلاح کند و جلوی درگیریهای بعدی را بگیرد. (ممتحن الدوله، ۱۳۶۵ : ۱۲۰)

میرزا مهدی خان چند کتاب از خود به یادگار گذاشته است. یکی از آنها مجموعه *خاطرات اوست* که حاوی مطالب ارزشمندی از دوران تحصیل و فعالیتش در وزارت خارجه و دیگر مشاغل اوست. دیگری کتاب *رجال وزارت خارجه در عهد ناصری و مظفری* است که در آن گروهی از کارگزاران وزارت خارجه را معرفی کرده و زندگی ایشان را برشمرده است. و پس از آن کتاب *مآثر مهدیه* است که در این مقاله بیش از دیگر آثار او مورد توجه ماست.

## میرزا مهدی خان ممتحن الدوله و مدرسه علوم سیاسی

ممتحن الدوله در سه اثر خود، به تعلق ایده مدرسه علوم سیاسی به خویش اشاره کرده- است. او در کتاب رجال وزارت خارجه پس از شرح زندگانی میرزا نصرالله خان مشیرالدوله که مؤسس مدرسه علوم سیاسی خوانده می‌شود، صراحتاً درباره تعلق ایده تاسیس مدرسه به خود سخن گفته و نوشته‌است: «پوشیده بر اهل خرد نماند که مدرسه علوم سیاسی از اثر ترجمه و خامه این بنده شرمند تاسیس گردید. چنان که در سال ۱۳۰۵ نظر به وهنی که از میرزا کاظم خان البرز [از اجزای بی ناموس وزارت خارجه بر من وارد آمده بود و مشغول نوشتن تاریخ بی ناموسی او بودم، مرحوم میرزا محمد علی رشتی ملقب به ثقه‌الملک بر من ورود نمود و چون از این مشغولیات من مطلع گردید، مرا نصیحت نمود که این کار شما اگر برای خدمت به مدعی است بد نیست. و اگر برای ذلت اوست غلط است. چرا که شما او را در انظار جلوه می‌دهید. بهتر این که برای خود زحمتی قبول نمایید. این بود که متنبه گشتم و کتاب حقوق بین الملل را ترجمه نموده پرگرامی برای مدرسه علوم سیاسی نوشتم. و به عرض اعلیحضرت ناصرالدین شاه رسید و به امتیازات بزرگ نائل گشتم. و بعد مرحوم حاجی شیخ محسن خان وزیر خارجه در صدد مدرسه سیاسی برآمد. عمرش وفا نمود. و مرحوم میرزا نصرالله خان که مطالعه کتابم رانموده بود در اجرای این امر خیر بر آمد. و پسران آن مرحوم تشویقش نمودند و مدرسه علوم سیاسی را تاسیس کردند. اطلاعا عرض شد. و قبل از این بنده فانی تا آن زمان احدی به خیال این خدمت نیفتاده بود. و در حقیقت بانی این خدمت بزرگ بنده فانی بوده‌ام» (ممتحن الدوله، ۱۳۶۵: ۴۷)

از آن چه که میان میرزا مهدی خان ممتحن الدوله و میرزا کاظم خان البرز گذشته اطلاعی نداریم. همین قدر می‌دانیم که میرزا مهدی خان خلقی تند و عصبی داشته و همین موجب درگیریهای مکرر او با رجال دولتی می‌شده است. از جمله این درگیریها ماجرای است که ملک المورخین سپهر یاد کرده‌است:

« یک روز میرزا مهدی خان ممتحن الدوله امیر تومان مهندس که مردی هتاک و بی باک و زور نشنو است، در اتاق یمین الممالک رئیس تذکره وزارت خارجه که در دربار است آمده مطالبه طلب خود را از برادر یمین الممالک [...] می نماید. میان او و یمین الممالک سخن رد و بدل شد. فاخرالدوله که از اجزای یمین الممالک است به او بد می گوید. فحش زیاد به هم می دهند و گلاویز می شوند و به هم کتک می زنند. آن وقت آدمهای یمین الممالک آمده و ممتحن الدوله را از اتاق بیرون کشیده کتک زیاد می زنند. و تا حال ممتحن الدوله چنین خفتی ندیده بود. » (سپهر، ۱۳۶۸: ۱۶۷)

بنابر این شاید بتوان حدس زد که ماجرای مشابه، میرزا مهدی خان را مدتی خانه نشین کرده بوده و او در آن ایام دست به ترجمه و نگارش حقوق بین الملل زده و برنامه مدرسه علوم سیاسی را نیز در آن درج کرده است. اگر در پی شناخت « امتیازات بزرگ » کسب شده توسط او بعد از ارائه ایده مدرسه علوم سیاسی باشیم، رجوع به خاطرات او برای ما راهگشا خواهد بود. آنجا که می نویسد:

« د رسال ۱۳۰۰ اول کسی که در ایران اقدام به ترجمه و تالیف کتاب حقوق بین المللی نمود این بنده فانی بودم و این حقیر بودم که وزارت خارجه را تشویق به تأسیس مدرسه علوم سیاسی نمودم. وبا همکاری سعد الدوله پروگرام این مدرسه را نوشتیم. در ازای این خدمات بزرگ به لقب ممتحن الدوله و عنوان جنابی مفتخر و مبلغ هشتصد تومان اضافه موجب و رتبه امیر تومانی نایل شدم. و بعدا دارای نشان و تمثال ناصرالدین شاهی شدم. » (ممتحن الدوله، ۱۳۵۳: ۲۷۳-۲۷۲)

پیش از این دیدیم که ملک المورخین سپهر از میرزا مهدی خان با درجه امیر تومان یاد کرده است. بنابر این می توانیم بپذیریم که این درجه به میرزا مهدی خان داده شده است. لقب ممتحن الدوله نیز که کاملا برای او شناخته شده است. اما مطابق نقل منابع

مبلغ هشتصد تومان اضافه موجب او را پرداخت نکردند «و در نتیجه وی رنجیده خاطر و خانه نشین شد و تا حدودی مبتلا به بیماری روانی بود.» (سرمد، همان: ۴۴۷)

اما کتاب *حقوق بین الملل* که میرزا مهدی خان از نگارش آن توسط خود یاد کرده، به احتمال قریب به یقین همان کتاب المآثر مهدیه است که به روایتی در سال ۱۳۱۰ ق نوشته شده و «نسخه دیگری از آن که حاشیه هایی از مؤلف بر آن نوشته شده، تاریخ نگارشش ۱۳۱۲ ق می باشد» (تهرانی، بی تا: ۹۷) این تاریخ با آن چه که خود میرزا مهدی خان نقل کرده سازگاری ندارد، شاید بتوان تاریخ یاد شده توسط میرزا مهدی خان را تاریخ نگارش اولیه کتاب دانست و تاریخهای بعدی را تاریخهای بازنویسی و بازنگری و حتی چاپ کتاب به شمار آورد. خصوصاً آن که وجود دو نسخه با تاریخهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۲ ق نشان از حداقل یک بار بازنویسی کتاب توسط نویسنده دارد و می توان احتمال داد که تعداد این بازنگری ها بیشتر هم باشد.

رساله المآثر مهدیه مجموعه ای از ترجمه و تالیف است. در واقع میرزا مهدی خان بخشهایی از مطالب این کتاب را از منابع فرانسوی ترجمه کرده و بخشهایی را بر پایه تجربیات خود نگاشته است. در این رساله کوتاه و نظام مند، نویسنده اطلاعات موجزی در باب تاریخچه تشکیل وزارت خارجه در کشورهای جهان، صفات وزیر خارجه، مهمترین وزرای خارجه جهان، و صفات کسانی که به سفارت انتخاب می شوند ارائه می کند. پس از آن نکاتی از حقوق و روابط بین الملل درج می کند که در نوع خود خواندنی است. در بیان انواع دول، در بیان حقوق ملکیه، در بیان عموم سفارات و... از دیگر عناوین این رساله هستند. مطالب رساله المآثر مهدیه با نظم و ترتیب و بیانی هوشمندانه نگاشته شده است و از این جهت حتی از رساله *پلیتیکای دولتی* نوشته میرزا ملکم خان ناظم الدوله (ناظم الدوله، ۱۳۸۸: ۲۵۶-۲۶۵) که از رسالات سیاسی مهم دوران قاجار به شمار می آید پیشی می گیرد. از این رو می توان آن را یکی از مهمترین آثار سیاسی دوران قاجار به حساب آورد.

در مقدمه این رساله میرزا مهدی خان به معنی علم دیپلوماسی می‌پردازد و پس از آن اوصاف «شخص دیپلمات و پروگرام مدرسه دیپلوماسی» را این گونه شرح می‌دهد:

«اولاً؛ جوان طالب علم دیپلماسی باید دارای اوصاف حسنه و عقل سلیم بوده، هیچ وقت از بدایت عمر تا بروز قوای ممیزه، از او هیچ خطایی از قبیل سرقت و تقلب سر نزده و برای امورات شخصی ابداً حبس نشده، مگر در صورت دسیسه و افترا.

ثانیاً؛ زبان ملتی و مملکتی خود را صحیح و بی غلط بخواند و بنویسد.

ثالثاً؛ تحصیل زبان و تکلم لسان دول همجوار را به هر عدد بوده باشد، باید بداند و اگر تماماً ممکن نشود و نتواند همه را اخذ نماید، لا محاله تکلم زبان یک یا دو از ممالک همسایه، از لوازم علم دیپلوماسی می‌باشد.

رابعاً؛ به علوم ادبیه، منطق و معانی بیان باید واقف و آگاه بوده باشد.

خامساً؛ حقوقی که ملل و دول سائره در مقابل یکدیگر دارند و هم حقوق جاریه مابین تبعه حکومت متبوعه خودش را باید تحصیل نماید که اینها تماماً متعلق به علم پولیتیک است.

سادساً؛ قوانین اساسیه سایر ملل را که از روی عادت و عهود برقرار و تاسیس شده است، با طریقه تعدیل آنها آموخته و دستور العمل مناسبات دولتها را هم به دست آورد.

سابعاً، حقوق دولیه حکومتهای مستقله اروپا را که بنابر قواعد مختصی هر یک علم شده است، فرا گیرد.

ثامناً؛ عهود و میثاق و پیمانهای که در این زمان حاضر مابین دول مختلفه مقتدره یا غیر مقتدره منعقد گشته است، با تواریخ عموم احوال و اعمال و حرکات و محاربات دول را

باید مطلع بوده و به حافظه خود بسپارند. و از مطالعه مکالمات و تحریرات و تنظقات و لوائح پولیتیکیه که وزرای بزرگ عصر انشاء و انشاء می کنند، بصیرت کامل داشته باشد.

تاسعاً؛ عهد و موثیق معقوده فیما بین سلاطین و ممالک قدیمه و محاربات آنها و تمدن و تمکن آنها را چه قبل از میلاد مسیحی و چه بعد از آن، و تواریخ قدیمه هر مملکت را و کتب مجموعه و رسایل دیپلماتیکی و لوائح و مقاله نامه جات و تألیفاتی که دایر بر تواریخ آنهاست دائماً مرور به مشاعر و قوه حافظه خود بسپارند.

عاشراً؛ محصل دیپلماسی برای آموختن شعبات این علم باید در اکثر احوال، محض تکمیل و ادراک قوائد نظریه به اعمال و اطوار اصحاب تجربه و امتحان این فن، چه در انشاء و تحریرات رسمی که با سفرای خارجه تعاطی و ارسال می شود و چه به اصول و قواعد جاریه که آنها را به کار می برند دقت و صرف همت نموده تا در موقع تحریر و تقریر بر حسب اسلوب و اقتضای حال و زمان ادا و انشاء نماید.

حادی عشراً؛ علم ثروت ملل را که عبارت از احکام طبیعیه منافع مادیه هیئت اجتماعیه بنی نوع بشر است، باید تحصیل نماید.

ثانی عشراً؛ علم جغرافیای عمومی کره ارض و جغرافیای فیزیکی هر دولت را دایر به امور تجارت و فلاح و زراعت مکنت و قوای حربیه بری و بحری و حاصل منافع ارضیه هر مملکت را مشروحا تحصیل نماید.

ثالث عشراً؛ طریقه تعاطی و نوشتن بعضی تحریرات و تقریرات مصلحانه مابین دول باید اخذ نماید.

رابع عشراً؛ تسویه کارهایی که در میان دول متکون می شود و فعلا مرئی الاجراست، باید در خاطر داشته باشد «(ممتحن الدوله، ۱۳۷۹: ۷-۸)

مطابق آن چه که میرزا مهدی خان در خاطراتش نقل کرده وی برنامه مدرسه علوم سیاسی را با کمک جواد خان سعدالدوله تهیه کرده است. (ممتحن الدوله، ۱۳۵۳: ۲۷۲)

سعد الدوله نیز از جمله رجال وزارت خارجه است که به مجلس مشروطه هم وارد شد؛ اما پس از چندی از آن روی برگرداند و در زمره دشمنان درجه اول مشروطیت در آمد (ملک زاده، ۱۳۷۱: ۵۰۵ و ۴۷۳/۱ همچنین ن ک علوی، ۱۳۸۵: ۶۳-۶۰) در سال ۱۲۹۷ ق هنگامی که میرزا سعید خان مؤتمن الملائک انصاری بعد از یک دوره برکناری از وزارت خارجه، مجدداً به این سمت منصوب شد، به فکر تحول در امور وزارت خارجه افتاد. مطابق نقل میرزا مهدی خان ممتحن الدوله، میرزا سعید خان «نظر به سابقه شناسایی که در باره سعد الدوله و پدرانش داشت اصلاحات آن وزارتخانه و ترتیب شعبات آن را از او درخواست و مقرر فرمود دستوری در وظایف هر طبقه بنگارد. و اساس آن وزارتخانه را در تحت قاعده و نظام در آورد. سعد الدوله هم که گویی دماغش برای ساختمان اداری و تأسیسات سیاسی آفریده شده، وزارت خارجه را از نو طرح ریزی نمود. و من بنده نگارنده را نیز که در آن زمان شاگرد دبستان و مروج افکار آن وزیر بی نظیر میرزا سعید خان بودم به کمک سعد الدوله مقرر فرمود و باید گفت که وزارت خارجه در آن زمان تأسیس گردید.» (ممتحن الدوله، ۱۳۶۵: ۱۱۵-۱۱۴)

در این جا باید به این نکته توجه داشت که میرزا سعید خان مؤتمن الملک پس از عزل میرزا حسین خان سپهسالار از وزارت خارجه، به این سمت برقرار شد. و می دانیم که میرزا حسین خان چه در منصب وزارت خارجه و چه در منصب صدر اعظم فردی نوگرا با افکار ترقی جویانه بود. بنابراین طبیعی است وقتی که میرزا سعید خان وزارت خارجه را از او تحویل می گیرد، دست به رفتارهایی بزند که نشان از ادامه جریان نوگرایی در این وزارتخانه داشته باشد. و دادن چنین ماموریتی به سعدالدوله از این منظر قابل بررسی است.

بنابر این می توان حدس زد که برنامه مدرسه علوم سیاسی نیز در همین دوره به قلم آمده باشد. همان طور که میرزا مهدی خان نیز سال ۱۳۰۰ ق را زمان نگارش کتاب خود دانسته و بدون یاد کردن از زمانی خاص گفته است «و این حقیر بودم که وزارت خارجه



را تشویق به افتتاح مدرسه علوم سیاسی نمودم و با همکاریهای سعد الدوله پروگرام این مدرسه را نوشتیم».

مطابق آن چه که گفته شد و با درک تفاوت میان دو مفهوم «ارائه ایده» و «اقدام به تاسیس» می توان گفت که میرزا مهدی خان ممتحن الدوله در ارائه ایده مدرسه علوم سیاسی نسبت به دیگران تقدم دارد. او حداقل هفده سال پیش از تاسیس مدرسه علوم سیاسی به ضرورت تشکیل آن اشاره کرده و یک برنامه درسی نیز برای آن تدوین کرده است. اگرچه تاسیس این مدرسه به دست میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صورت گرفته و نقش فرزند او یعنی میرزا حسن خان پیرنیا را در تکمیل ایده مدرسه نمی توان نادیده گرفت.

### نتیجه گیری :

بسیاری از پدیده های تاریخی دوران مشروطیت به یک باره و توسط یک شخص خاص شکل نگرفته اند. جریان نوگرایی دوران مشروطه جریانی است که حداقل پنجاه سال پیش از وقوع این تحول تاریخی شروع شده و آرام و بی صدا ادامه یافته و با گسترشی تدریجی، پدیده های مختص خود را شکل داده است. مدرسه علوم سیاسی نیز یکی از این پدیده هاست. جریان فکری معتقد به اصلاح امور که در زمان ناصرالدین شاه قاجار پا گرفته بود، بی شک در شکل گیری ایده مدرسه علوم سیاسی مؤثر بوده است. میرزا جواد خان سعدالدوله و میرزا مهدی خان ممتحن الدوله که هر دو روی خوشی به مشروطه و مشروطه خواهان نشان نمی دادند، در زمره رجال علاقه مند به اصلاح دستگاه اداری قاجار به تاسیس مرکزی برای تربیت کادر وزارت خارجه فکر کرده، و ایده آن را به قلم نیز آورده بودند. بنا براین شاید نوگرایی و مشروطه خواهی الزاماً همیشه هم معنی نباشند. اگرچه عملی ساختن این ایده در دوران ناصرالدین شاه امکان پذیر نبود و تاسیس مدرسه علوم سیاسی تا سال ۱۳۱۷ ق و دوران سلطنت مظفرالدین شاه یعنی دوران اوج مشروطه خواهی به تعویق افتاد.

## کتابنامه :

## الف - کتاب ها

۱. آدمیت، تهمورس. ۱۳۶۸، *گشتی برگزیده*، تهران، انتشارات کتابسرا
۲. آدمیت، فریدون. ۱۳۶۲، *امیرکبیر و ایران*، تهران، انتشارات خوارزمی
۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۵۳، *خاطرات*، به کوشش حسین قلی خان شقاقی، تهران، انتشارات امیرکبیر
۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۵۸، *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپسالار*، تهران، انتشارات خوارزمی
۵. احتشام السلطنه، میرزا محمود خان. ۱۳۶۹، *خاطرات*، به کوشش سید محمد مهدی موسوی، تهران، انتشارات زوار
۶. اسکندری، ایرج. ۱۳۷۲، *خاطرات*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی
۷. امین الدوله، میرزا علی خان. ۱۳۷۰، *خاطرات*، به کوشش حافظ فرمانفرمائی، تهران، انتشارات امیرکبیر
۸. تهرانی، آقا بزرگ. بی تا، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، قم، انتشارات اسماعیلیان
۹. دولت آبادی، یحیی. ۱۳۷۱، *حیات یحیی*، تهران، انتشارات عطار و انتشارات فردوس
۱۰. رشدیه، شمس الدین، ۱۳۶۲، *سوانح عمر*، تهران، نشر تاریخ ایران
۱۱. سپهر ملک الوریخین، عبدالحسین خان. ۱۳۶۹، *مرآة الوقایع منظری*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، نشر زرین

۱۲. سرمد، غلامعلی. ۱۳۷۲، **اعزاز محصل به خارج از کشور در**

**دوره قاجاریه**، تهران، انتشارات چاپ و نشر بنیاد

۱۳. سلیمانی، کریم. ۱۳۷۸، **القاب رجال دوره قاجاریه**، تهران، نشر نی

۱۴. شمیم، علی اصغر. ۱۳۷۰، **ایران در دوره سلطنت قاجار**، تهران،

انتشارات علمی

۱۵. علوی، ابوالحسن. ۱۳۸۵، **رجال عصر مشروطیت**، به کوشش حبیب

یغمایی و ایرج افشار، تهران، نشر اساطیر

۱۶. فروغی، محمدعلی. ۱۳۵۳، **مقالات**، به کوشش محمود فروغی و

حبیب یغمایی، تهران، انتشارات یغما

۱۷. قاسمی پویا، اقبال. ۱۳۷۷، **مدارس جدید در دوره قاجاریه**،

تهران، مرکز نشر دانشگاهی

۱۸. مجد فطن السلطنه، محمدعلی. ۱۳۵۷، **گذشت زمان**، تهران، بی نا

۱۹. محبوبی اردکانی، حسین. ۱۳۷۰، **تاریخ مؤسسات تمدنی جدید**،

تهران، انتشارات دانشگاه تهران

۲۰. مستوفی، عبدالله. ۱۳۸۶، **شرح زندگانی من یا تاریخ اداری**

**اجتماعی دوران قاجاریه**، تهران، نشر هرمس

۲۱. معیرالممالک، دوستعلی خان. ۱۳۹۰، **رجال عصر ناصری**، تهران،

نشر تاریخ ایران

۲۲. ملک زاده، مهدی. ۱۳۷۱، **تاریخ انقلاب مشروطیت ایران**، تهران،

انتشارات علمی

۲۳. ممتحن الدوله شقاقی، میرزا مهدی خان و میرزا هاشم خان. ۱۳۶۵،

**رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری**، به کوشش

ایرج افشار، تهران، نشر اساطیر

۲۴. \_\_\_\_\_ ، ۱۳۷۹، *المآثر مهدیه*، تهران، انتشارات مرکز اسناد دیپلوماسی
۲۵. ناطق، هما. ۱۳۸۰، *کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران*، تهران، نشر نظر
۲۶. ناظم الاسلام کرمانی، محمد. ۱۳۷۷، *تاریخ بیداری ایرانیان*، تهران، انتشارات امیرکبیر
۲۷. یغمایی، اقبال. ۱۳۷۵، *وزیران علوم معارف و فرهنگ ایران*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی

### ب - نشریات

۲۸. تفرشی، مجید. ۱۳۷۰، «*مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی*»  
گنجینه اسناد، ش ۱
۲۹. تکمیل همایون، ناصر. ۱۳۸۳، «*مدرسه عالی سیاسی*» نشریه  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی، ش ۶۳
۳۰. عاقلی، باقر. ۱۳۷۷، «*مدرسه علوم سیاسی و مدرسه عالی حقوق*»،  
تاریخ معاصر ایران، ش ۷